خدمت به «فرهنگ» مردم

کیهان فرهنگی

بیرشک، احمد

کیهان فرهنگی:به عنوان نخستین‏ پرسش بفرمایید که«بنیاد دانشنامهء زبان فارسی»چگونه شکل گرفت؟

استاد احمد بیرشک:با همکاری«شرکت‏ انتشارات علمی و فرهنگی»کتابی منتشر می‏کردیم به‏ نام«زندگی علمی دانشوران».تدوین این کتاب با پیشنهاد من و تصویب کارگزاران آن شرکت آغاز شد و ترجمه‏ای از کتابی انگلیسی بود که در اصل هجده‏ جلد است،اما ما آن را در یازده جلد،هر یک نزدیک به‏ هزار و صد صفحه منتشر خواهیم کرد.جلد سوم آن‏ اینک در دست چاپ است و دست به کار تهیه مطالب‏ جلد چهارم آن هستیم.این کتاب سرگذشت پنج هزار و چند عالم و دانشمند علوم دقیق،چون فیزیکدان، شیمیدان،ریاضیدان،ستاره شناس،زیست شناس، زمین شناس و از این دست است.شمار فراوانی هم‏ مترجم داشته‏ایم اما آنها نمی‏توانستند نیازهای ما را

خدمت به‏ «فرهنگ» مردم‏ گفتگو با استاد احمد بیرشک‏ (رئیس بنیاد دانشنامهء زبان فارسی)

برآورده کنند و هر چند یا دانشگاهی بودند یا از دبیرانی با سابقهء بسیار،نمی‏توانستند به طور دقیق به‏ خواسته‏های ما پاسخ دهند.در نتیجه من مجبور بودم‏ همهء این کتاب را ویرایش کنم.بنا بر این،از صفحهء نخست تا صفحهء آخر آن را کلمه به کلمه می‏خواندم و ترجمهء آن را با اصل مقابله می‏کردم و هر جا نیاز بود دست به اصلاح و تکمیل ترجمه می‏زدم.البته کار آنها قابل ایراد نبود،زیرا در این راه به همهء دایرة المعارف‏ها و دانشنامه‏ها نیاز پیدا می‏شد.ما مجبور بودیم از دانشنامه‏هایی به زبانهای گونه‏گون جهان بهره بگیریم‏ تا بتوانیم آن را ترجمه کنیم.به فکر افتادم که مؤلفان و استادان ما یک زبان بیشتر نمی‏دانند و به این همه‏ مأخذ و مرجع دسترسی ندارند،که باید به آنها مراجعه‏ کرد.در این حال،چرا دانشنامه‏ای به زبان فارسی‏ فراهم نیاوریم که هر چه می‏خواهیم به زبان خودمان در دسترسمان قرار گیرد و مردم هم به آسانی بتوانند از آن‏ استفاده کنند.مدتی به این موضوع می‏اندیشیدم تا اینکه در 29 مرداد 1367 با دکتر محمود بروجردی‏ داماد حضرت امام(ره)که مدیر عامل«شرکت انتشارات‏ علمی و فرهنگی»بود دربارهء این تصمیم صحبت کردم‏ و نظرش را جویا شدم.ایشان از پیشنهاد من بسیارخوشحال شد.روز اول شهریور پیشنهادم را با کارگزاران‏ وزارت فرهنگ و آموزش عالی در میان گذاشتم و آنها این پیشنهاد را به شورای معاونان فرستاده،آنها نیز به‏ اتفاق آرا تشکیل بنیاد دانشنامهء زبان فارسی را تصویب‏ کردند و نظرشان را در شهریور ماه آن سال به دولت‏ ارائه دادند.رئیس دولت آن زمان آقای مهندس‏ میر حسین موسوی بودند.دولت هم درگیر جنگ و مسایل آن بود.بنا بر این،پیشنهاد چندی مسکوت ماند. از طریق وزارت فرهنگ و آموزش عالی مسأله پیگیری‏ شد.باز هم نتیجه‏ای گرفته نشد تا هنگامی که آتش‏ بس اعلام شد و آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست‏ جمهوری رسیدند.نامه‏ای به آقایان دکتر حسن‏ حبیبی معاون اول ایشان و دکتر مصطفی معین وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت نوشتم و خواستار پیگیری‏ شدم.روزی دکتر حبیبی گفت که مگر مملکت به چند دانشنامه نیاز دارد؟پاسخ دادم:حرف درستی است: ارباب دایرة المعارف را جمع کنید اگر کاری را که‏ می‏گوییم انجام دادند،خوب انجام می‏دهند،خواستند به ایشان کمک می‏کنیم،نخواستند نه.می‏دانستم که‏ کسی به فکر چنین کاری نیفتاده و بی‏شک از این کار استقبال خواهند کرد.از صاحبنظران نظرخواهی شد و همگی پاسخ مثبت دادند.قرار شد برنامهء پیشنهادی‏ پیگیری شود اما به سرعت پیش نرفت زیرا مشغول‏ تحقیق دربارهء آن بودند.آقای موسوی بجنوردی که‏ دایرة المعارف بزرگ اسلام به همت او منتشر می‏شود گفت که برنامه‏ای برای تدوین دانشنامه‏ای عمومی در فهرست کارهای خود قرار داده است.پیشنهادم را به‏ گونه‏ای کامل تشریح کردم و افزودم شما دارید «دایرة المعارف بریتانیکا»را ترجمه می‏کنید که تنها یکی از چندین کتاب مرجع ماست.آقای موسوی پس‏ از مطالعه گفت که برنامه‏اش غیر از برنامهء بنیاد است و دربارهء دانشنامهء بزرگ فارسی نظر مخالف ندارد. آخرین اظهارنظر هم از سوی انتشارات«سروش»به‏ دستمان رسید که نوشته بودند اگر چنین کاری انجام‏ گیرد ما می‏توانیم در مجامع علمی جهان ظاهر شویم‏ با دکتر معین تماس گرفتم و گفتم حالا باز هم حرفی‏ هست؟گفتند:اساسنامه را بنویسید.در اساسنامه‏ نوشتیم که ریاست عالیهء بنیاد با رئیس جمهور وقت‏ باشد.و دکتر معین اساسنامه را به دفتر رئیس جمهور فرستاد و آقای هاشمی رفسنجانی نیز ریاست بنیاد را پذیرفتند.بنا بر این،کار به مرحله‏ای تازه رسید.دولت‏ کارهای دیگری نیز داشت و کار ما به کندی پیش‏ می‏رفت.سرانجام نامه‏ای به ایشان نوشتم و یادآور شدم‏ فردای روزی که این نامه را می‏نویسم باید پنجمین‏ سال پیشنهاد طرحم را جشن بگیرم!آیا به نظر جناب‏ عالی پنج سال معطلی زیاد نیست؟به عقیده من در زندگی یک ملت پنج سال به حساب می‏آید.آقای‏ رفسنجانی دستور تصویب اساسنامه را صادر کردند و از بودجهء جزیره کیش هم یک میلیون تومان به ما دادند و در بهمن 1370 شروع کردیم به کار.

کیهان فرهنگی:خوب است دربارهء چارچوب سازمانی بنیاد هم توضیحی‏ دهید.

بیرشک:نخستین هیأت امنا که از بهمن سال‏ 1370 تا مهر 1372 مشغول کار بود از افراد زیر تشکیل شده بود:

دکتر مصطفی معین وزیر فرهنگ و آموزش عالی، رئیس هیأت و دکتر محمود بروجردی مشاور وزیر امور خارجه،احمد بیرشک،بهاء الدین خرمشاهی‏ نویسنده و پژوهشگر،دکتر محمود روحانی استاد دانشگاه علوم پزشکی مشهد،دکتر رضا مکنون معاون‏ هماهنگی و معاون اول رئیس جمهور و عطاء الله‏ مهاجرانی معاون حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور از اعضای هیأت. همچنین دومین هیأت امنا که از مهر 1372 تا کنون‏ مشغول کارند به قرار زیرند:

دکتر محمد رضا هاشمی گلپایگانی وزیر فرهنگ و آموزش عالی رئیس هیأت،احمد بیرشک رئیس بنیاد و آقایان مسعود روغنی زنجانی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه،دکتر علی اکبر صالحی معاون آموزشی وزیر فرهنگ و آموزش عالی، دکتر فتح الله مضطرزاده،معاون پژوهشی وزیر فرهنگ و آموزش عالی،دکتر محمود بروجردی،دکتر محمود روحانی،دکتر رضا مکنون و عطاء الله‏ مهاجرانی اعضای آن.به تازگی آقای حمید میرزاده‏ به جای آقای روغنی زنجانی در این هیأت مشغول به‏ کار شده‏اند.دکتر بهروز بیرشک معاون پژوهشی، سید هادی فاطمی معاون اجرایی،مهدی کریمی‏ مسؤول مالی،مجید مظفر کارپرداز،محترم‏ علایی بخش مسؤول کتابخانه و نسرین افتخاری نیز مسؤول دفتر بنیادند.

کیهان فرهنگی:استاد،اهداف و وظایف بنیاد چیست؟

بیرشک:به طور کلی بنیاد برای ایفای این وظیفه‏ پدید آمده است که هر چه را دانستنی است به زبان‏ فارسی در دسترس فارسی زبانان قرار دهد.اما در اساسنامه هدفهای کلی بنیاد بدین شرح آمده است:

1-رواج دانش و ادب و بالا بردن سطح اطلاعات‏ علمی و ادبی جامعه.

2-تألیف و انتشار دانشنامه‏ای جامع،و شامل‏ معارف بشری به زبان فارسی.

3-شناساندن منابع زبان و ادبیات فارسی.

4-مطالعه و تحقیق در زمینهء ادب و زبان فارسی.

5-همکاری با دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی و فرهنگی کشور.

دانشنامهء بزرگ فارسی دو رشته انتشارات جنبی‏ دارد:

الف:فرهنگهای دانشنامگی برای رشته‏های‏ گوناگون علم و ادب و هنر،ب:فرهنگهایی از زبان‏ بیگانه به فارسی،فارسی به بیگانه،و فارسی به فارسی.

وظایف بنیاد نیز بدین تفصیل است:

1-ایجاد زمینه‏ها و فراهم کردن امکانات مناسب‏ برای تحقق اهداف بنیاد.

2-تألیف و ترجمهء متون و آثار و نشریات پژوهشی‏ مناسب با اهداف بنیاد.

3-ارتباط با صاحبنظران،پژوهندگان و دانشمندان‏ کشور و ترغیب آنها به انجام پژوهشهای فرهنگی در چارچوب اهداف بنیاد.

4-تهیهء مدارک نافذ و اسناد داخلی و خارجی برای‏ مطالعه و تحقیق گسترده در زمینهء اهداف بنیاد.

5-تشکیل کنگره‏ها،مجامع،گروههای مطالعاتی و پژوهشی در سطوح گوناگون داخلی و خارجی در زمینهء اهداف بنیاد.

6-انجام پژوهشهای کاربردی در زمینه‏های‏ فرهنگی و تاریخی،علوم انسانی و ارتباطات.

7-ارتباط و همکاری با مراکز و مؤسسات پژوهشی و فرهنگی داخلی و خارجی در چارچوب اهداف.

کیهان فرهنگی:شیوهء کارتان چگونه‏ خواهد بود و تا کنون چه رشته‏هایی‏ برای تهیهء دانشنامه عنوان‏بندی‏ شده‏اند؟

بیرشک:برای آنکه بهره‏وران از این دانشنامه‏های‏ اختصاصی،گنجینه‏های گرانبهای علوم و ادبیات به‏ زبانهای بیگانه را آسان‏تر تهیه کنند،تصمیم بنیاد بر آن‏ شد که جز معدودی از دانشنامه‏های اختصاصی که‏ «اصطلاح»در آنها زیاد نیست در دیگر دانشنامه‏ها دربرابر هر عنوان که به فارسی تبیین و توضیح می‏شود، برابر نهادهای آن را به سه زبان آلمانی،انگلیسی و فرانسوی بیاورد(در گیاه شناسی و جانور شناسی‏ اصطلاحات لاتینی جنبهء بین المللی دارد و زبان لاتینی‏ به سه زبان یاد شده افزوده خواهد شد).

دامنهء رشته‏های معارف انسانی که بنیاد قصد تهیهء دانشنامه‏ای اختصاصی برای هر یک دارد،بسیار گسترده است.تا امروز عنوانهای نزدیک به هفتاد رشته‏ عنوان بندی شده است که بی‏تردید تعداد آنها بیشتر خواهد شد.رشته‏هایی که تا کنون ثبت شده بدین شرح‏ است:

آمار،اختر شناسی و اختر بینی،اخلاق،ارتباط (پست،تلگراف،تلفن،بی‏سیم،رادیو،تلویزیون، ماهواره)،اکتشاف و مکتشفان،الکترونیک، پرنده شناسی،پروانگان،پزشکی،تاریخ ادبیات ایران، تاریخ ایران و جهان،تاریخ پزشکی،تاریخ تعلیم و تربیت‏ در ایران،تاریخ تمدن،تاریخ علم،تسخیر فضا، تمدنهای بزرگ باستانی قارهء قدیم و تمدنهای قارهء جدید پیش از کلمب،جانور شناسی،جغرافیا(ایران و جهان)،حرفه و فن،حشرگان،حمل و نقل،خزندگان، دارو شناسی،دامپزشکی،دانشنامهء ملت ایران، دانشنامهء میراث فرهنگی ایران،دینها،روان شناسی، روان کاوی،ریاضیات کاربسته،ریاضیات محض، زبانهای ایران باستان،زمین شناسی،زیست شناسی، سرگذشت شهرهای بزرگ(تهران،اصفهان،شیراز، تبریز،مشهد و کرمان)،شیمی صنعتی،شیمی نظری، صنعت برق،صنعت چاپ،عرفان و تصوف،فلسفه، فیزیک،فیزیولوژی،قالی،کاغذ،کانی شناسی و فلزپردازی،کتاب و مطبوعات،گاهشمار تاریخ ایران، گاهنامه(تقویم و تاریخ)،گلها و گیاهان زینتی،گیاهان‏ طبی،گیاه شناسی،ماهیان،مسلک‏ها،موسیقی، نفت و صنایع وابسته،نقاشی،نمایش و تعزیه،ورزش و تربیت بدنی،هنرهای دستی.

اکنون دانشنامه‏های ویژهء ارتباطات و مخابرات، پرنده شناسی،تهران،دامپزشکی،ریاضی، زیست شناسی،شیمی نظری،فیزیک،نفت،ورزش و تربیت بدنی در مرحلهء تهیه و نگارش مطلب است.

در هر رشته برای تنظیم برنامه،تهیهء عنوانها،انتخاب‏ همکار،پخش عنوانها و دریافت مقاله‏هایی که برای آنها تهیه می‏شود شورایی متشکل از پنج تا هفت تن‏ (شورای نفت به طور استثنا یازده نفر)از استادان و صاحبنظران تشکیل شده است که کار را بین‏ دانشمندان صاحب صلاحیت دیگر تقسیم می‏کند و هم اکنون تعدادی از استادان دانشگاههای کشور با شوراهای فیزیک،شیمی،ریاضی همکاری می‏کنند و شوراهای دیگر-که کارها را اندکی دیرتر شروع‏ کرده‏اند-به زودی همکاری با دانشمندان غیر عضو شورا را آغاز خواهند کرد.

کیهان فرهنگی:این دانشنامه‏ها چه‏ زمانی در دسترس دوستداران قرار خواهد گرفت؟

بیرشک:تألیف و تهیهء هر دانشنامهء ویژهء و هر فرهنگ دانشنامگی نزدیک به شش سال زمان‏ می‏خواهد.

کیهان فرهنگی:هیچ یک از این آثار تا کنون آماده نشده‏اند؟

بیرشک:دانشنامه‏های خودآموز علوم پایه برای‏ جوانان دبیرستانی از دیگر برنامه‏های بنیاد است.از این میان«دانشنامهء خودآموز فیزیک»در دست تهیه‏ است و شاید در سال کنونی زیر چاپ برود.تهیهء کتابهای سودمند دیگر برای بالا بردن فرهنگ فارسی‏ زبانان از برنامه‏های دیگر ماست.هم اکنون«تاریخ‏ پزشکی»در دست تهیه است که در چهار جلد هزار صفحه‏ای منتشر خواهد شد.سه جلد اول آن ترجمه‏ای‏ از یک تاریخ معتبر فرانسوی است و جلد چهارم،تألیفی‏ و ویژهء تاریخ پزشکی ایران(و در صورت امکان،تاریخ‏ پزشکی کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان)خواهد بود که از چند ماه دیگر حروفچینی‏ خواهد شد.«علم در زمان حاضر»کتاب دیگری است‏ که در چهار جلد بزرگ از زبان فرانسوی ترجمه‏ می‏شود.«فرهنگ تلفظ زبان فارسی»،«فرهنگ تلفظ نامهای خاص»،از کارهای جنبی،«گاهنامهء تطبیقی‏ سه هزار ساله»منتشر شده است.«زندگینامهء علمی‏ دانشوران»و«خلاصهء زندگینامهء علمی دانشمندان»دو اثری است که با همکاری«شرکت انتشارات علمی و فرهنگی»چاپ می‏شود.«فرهنگ جامع فارسی»، «فرهنگ فارسی برای جهانگردان»نیز در دست تهیهء مطلبند.مجموعهء«آنچه باید دانست»-که شامل زیر مجموعه‏های متعدد است و تاکنون سه بخش‏ «جوانان»،«دانش برای همگان»و«دانش امروز»آن مد نظر بوده است-نیز در دست تهیه و نگارش است و امیدواریم پس از آن ماهی یک جلد منتشر کنیم. سرپرستی این مجموعه با دکتر ابو القاسم قلمسیاه‏ است.مسؤول بخش فرهنگ فارسی نیز دکتر مهشید مشیری است.

کیهان فرهنگی:حال که سرپرستان و مسؤولین این دو اثر را نام بردید،ممکن‏ است نام هیأت علمی هر رشته و یا اعضای شورای دانشنامه‏های دهگانه‏ای‏ را-که پیشتر از آنها یاد کردید-برای‏ آشنایی ما و خوانندگانمان بگویید؟

بیرشک:فهرست نام هیأت علمی این‏ دانشنامه‏های ویژه که در گزارش ما هم آمده بدین‏ شرح است:

شورای«دانشنامهء تهران»:دکتر بروجردی،دکتر بلوکباشی،دکتر تکمیل همایون،دکتر ساعدلو،دکتر فلامکی،دکتر ملک شهمیرزادی،محمودیان.

شورای رشته«پرنده شناسی»:ادهمی،دکتر اعتماد،دکتر بلوچ،بهروزی راد،عالی پناه،منصوری.

شورای رشتهء«دامپزشکی»:دکتر رادمهر،دکتر رکنی،دکتر کریم،دکتر گیلانپور،دکتر محمد نیا.

شورای رشتهء«ریاضی»:دکتر جمالی،دکتر شفیعی‏ها،دکتر عمیدی،دکتر قاسمی هنری،دکتر مشکاتی،دکتر وحیدی،دکتر وصال.

شورای رشتهء«زیست شناسی»:دکتر دیانت نژاد، دکتر شیدایی،دکتر فرهود،دکتر کرمی،دکتر مستشفی.

شورای رشتهء«شیمی»:دکتر تقی‏پور،دکتر خاتمی، دکتر خدادادی،دکتر رحیمی،دکتر روحی لاریجانی، دکتر ملاردی.

شورای رشتهء«فیزیک»:دکتر ابو کاظمی،دکتر پاشایی‏راد،دکتر ابو القاسم قلمسیاه،دکتر لطیف‏ کاشیگر،دکتر رحمت اله گلستانیان،دکتر منیژه رهبر (که مدتی در شورا عضویت داشت اما کناره‏گیری‏ کرد).

شورای رشتهء«نفت»:مهندسان:چاکری،حسینی، شریف دینی،طیبی جزایری،غازی عمیدان،کمالی، مهرورز،فخاری،نرسیسیان،همدانی‏زاده.

شورای رشتهء«ورزش و تربیت بدنی»:دکتر بهروز بیرشک،دکتر خالدان،دکتر فرخی،کاشف،مفخم.

شورای«دانشنامهء خودآموز فیزیک»:دکتر اعظم‏ پورقاضی،احمد بیرشک،دکتر فرخی،دکتر قلمسیاه، دکتر کاشیگر،دکتر گلستانیان،مهرزاد،نوروزیان.

سرپرست،مسؤول تنظیم،مترجم و ویراستار «زندگینامهء علمی دانشوران»نیز فریبرز مجیدی‏ است.

کیهان فرهنگی:منابع مالی بنیاد و هزینه‏ها از چه راهی فراهم می‏شود؟

بیرشک:«بنیاد دانشنامهء بزرگ فارسی»وابسته به‏ وزارت فرهنگ و آموزش عالی،و مؤسسه‏ای عام یعنی‏ دولتی است.از همین رو نیازهای مالی آن از خزانهء عمومی تأمین می‏شود.اما مؤسساتی از این نوع که در خدمت فرهنگ جامعه هستند،در جوامع پیشرفته از کمک مؤسسات خصوصی و توانگر برخوردارند،و باید که چنین باشد زیرا کارشان انتفاعی نیست و در خدمت‏ ملت است.

در میان قوم ایرانی احساس ضرورت کمک به‏ پیشرفت اجتماع،میان کسانی که توانایی کمک‏ داشته‏اند-جز در موارد استثنایی-قوی بوده است.در هیچ جامعه‏ای بیشتر از جامعهء ما امر وقف به جد اجرا نمی‏شده است و اگر در هر کوی و برزن مسجدی‏ هست نتیجهء همت نیکوکاران و سخاوتمندان معتقد به‏ پیشرفت و پیشبرد نیازهای جامعه است.بنیاد دانشنامه‏ امیدوار است که از این راه،بخشی از هزینه‏های خود را که به طور کلی در راه خدمت فرهنگی است،تأمین‏ کند.هم اکنون شرکت ملی نفت،افزون بر کمک‏ علمی و فنی شماری از مهندسان عالی قدر آن برای‏ تألیف«فرهنگ دانشنامگی نفت»-که کار کسی جز آنان نمی‏تواند باشد-همهء هزینهء چاپ این اثر را بر عهده گرفته است.هیچ می‏دانید برای تهیهء یک‏ دانشنامه شصت میلیون و پانصد هزار تومان خرج‏ می‏شود؟این شرکت پرداخت آن را تقبل کرده است و ما در پی آنیم که برای دانشنامه‏های دیگر نیز مذاکراتی کنیم تا این هزینه تأمین شود.بخشی از هزینهء«فرهنگ دانشنامگی ارتباطات و مخابرات»را هم‏ قرار است وزارت پست و تلگراف و تلفن تأمین کند.

بی‏شک انتظار داریم که هزینه‏های دانشنامهء بانک و بانکداری را بانکها،و هزینهء دانشنامهء شیمی صنعتی را مؤسساتی که کارشان با این صنعت است،تأمین‏ نمایند.پیشتر از شورای«دانشنامهء تهران»سخن گفتم. این دانشنامه که در هیچ جامعه‏ای-تا جایی که سراغ‏ داریم-سابقه ندارد،به طور کلی مربوط به شهرداری‏ تهران است.انتظار کمک از شهرداری-که معتقد است‏ هزینه‏های مربوط به نگاهداری شهر تهران را باید مردم‏ آن بپردازند،و از آنان می‏ستاند-معقول و مشروع‏ است.شایسته است هزینهء دانشنامه‏های اصفهان و شیراز و هر شهر دیگر را هم شهرداریهای آنها تأمین‏ کنند.

درآمد حاصل از انتشارات بنیاد نیز به طور منطقی‏ فقط صرف پیشرفت بنیاد-که در پیشبرد کارهای‏ پژوهشی وظیفه‏ای بزرگ بر عهده دارد-خواهد شد. بنیاد در خزانهء عمومی،حسابی به نام کمکهای مردمی‏ باز کرده است و معتقد و مصمم است که مراقبت در همهء حسابهای خود را به طور دقیق از دیوان محاسبات‏ انتظار داشته باشد.

کیهان فرهنگی:آیا ویرایش مقالات‏ این آثار دارای ضوابط و چارچوبهایی‏ ویژه است؟

بیرشک:ویرایش مقالات باید دقیق،درست و بی‏نقض باشد.ویراستار،فارسی بداند و آن را سلیس و روان بنویسد.ضوابط خاصی جز این نداریم.به گمان‏ من ما در کشورمان ویراستار خوب به تعداد کافی پیدا نمی‏کنیم.زمانی بنده پیشنهاد کردم یک دورهء کارشناسی ارشد برای آموزش ویراستار خوب در نظر گرفته شود.هیأت امنا با پیشنهادم موافقت کرد و نظرشان این بود که چنین کاری همین جا صورت گیرد اما گستردگی ساختمان بنیاد محدود و کوچک است. با دانشگاه شهید بهشتی مذاکره کردیم و آنها پذیرفتند که دوره‏ای بدین منظور دایر کنند و اکنون هم مشغول‏ بررسی و پیگیری کارهای مربوط به آن هستند. بنا بر این،برای پرورش ویراستار به طور کلی-نه ویژهء این بنیاد-برنامه‏ای فراگیر در نظر گرفته شده است تا جامعه و کشور دارای ویراستار خوب شود.اکنون اگر به کتابی که منتشر می‏شود نگاه کنیم،می‏بینیم نامها با تلفظ غلط آمده و ویرایش درستی صورت نگرفته‏ است.همچنین اشتباهات علمی در آنها دیده می‏شود و...البته برای یاری ویراستاران فرهنگی تهیه خواهیم‏ کرد که در آن همهء اسامی هر زبان به تلفظ صحیح و درست گردآوری خواهد شد.تلفظ غلط نامها یکی از اشکالاتی است که گاه ویراستاران نیز از آن می‏نالند و نمی‏دانند که برای نمونه باید«آلبر»بنویسند یا«اَلبر» یا«اَلبرت»و یا آنکه نمی‏دانند باید نوشت«سوئد برگه» یا بنویسند و تلفظ کنند«اِس ود برگه»یا«اِس ود برگی‏ یه»و از این دست مشکلات.

کیهان فرهنگی:مشکلات شما در بنیاد چیست؟

بیرشک:مشکل اصلی ما نداشتن جای مناسب‏برای این کار بزرگ است.با این همه کار،این ساختمان‏ پنج اتاق دارد و همهء کارهای دانشنامه در اینجا انجام‏ می‏شود.دو اتاق دیگر هم در خیابانی دیگر در دست ما بود که صاحبشان به سبب نیاز خود به آنها از ما خواسته‏ آنجا را تخلیه کنیم.در خرداد سال گذشته طی‏ نشستی با رئیس جمهور به ایشان گفتم ما احتیاج به‏ جایی مناسب داریم.گفتند من جایی در شمال شهر به‏ بنیاد می‏دهم تا از این بابت مشکلی نداشته باشید.اما هنوز هیچ کاری انجام نشده است.فقط ایشان شصت‏ میلیون تومان اعتبار تأمین کردند از بودجهء ریاست‏ جمهوری برای این کار؛ولی به جایی گسترده‏تر احتیاج‏ داریم.البته مشکل عمده در کل مملکت ما بی‏علاقگی‏ و بی‏توجهی به علم در عمل است.پیشروی کند کارهایی که به گونه‏ای با دولت در ارتباط است نیز از دیگر مشکلات ماست.یکی از کارهای ما تدوین‏ «دانشنامهء ملت ایران»است که در شمار مهم‏ترین‏ دانشنامه‏هاست و آقای رفسنجانی نیز خیلی به پدید آوردن آن ابراز علاقه کرده‏اند.ما می‏خواهیم این کار را با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آماده کنیم، اما یک سال و نیم تا دو سال است که مذاکره می‏کنیم‏ ولی هنوز نتیجه‏ای نگرفته‏ایم.کار دستگاههای اداری‏ ما بیش از آنچه گمان کنید،کند است.نامه‏ای برای‏ من می‏آید که در آن یادآوری شده است:امروز حتما جواب بدهید.این نامه با چندین روز تأخیر به بنیاد و به‏ دست من می‏رسد.از سوی دیگر گاهی نامه‏ای که ما می‏نویسیم و می‏فرستیم دو سه ماه طول می‏کشد تا بدان پاسخ دهند.یک کار مهم دیگر،«دانشنامه میراث‏ فرهنگی ایران»است که با باستان شناسی و سازمان‏ میراث فرهنگی ایران مشغول صحبت هستیم،اما این‏ هم دست کمی از ادارهء قبلی ندارد.قرار شده است با وزارت پست«دانشنامهء ارتباطات و مخابرات»را آماده‏ کنیم.آمده‏اند و صحبت کرده‏اند و به قدری عجله‏ داشته‏اند که اگر می‏شود کاری کنید تا سال 1376 این کار منتشر شود.در حالی که امروز باید به ایشان‏ اخطار کنیم که اگر امکانات را فراهم نکنید مجبوریم‏ قرارداد را لغو کنیم.چیزی که ابتدای کار نیز پیش‏بینی‏ نشده بود آنکه بسیاری از استادان ما آمادگی انجام‏ چنین کاری را نداشتند.برای تدوین چنین‏ دانشنامه‏ای به افراد بسیار علاقه‏مندی نیاز است که نه‏ تنها از سواد بسیار بهره‏مند باشند،بلکه وقت و فرصت‏ انجام آن را نیز داشته باشند.البته اکنون استادان‏ ارجمندی که به دانشنامه کمک می‏کنند علاقهء بسیار دارند اما مشکلات زیاد است.ما می‏خواهیم دربارهء همهء معارف بشری کار کنیم فقط کمک می‏خواهد.

البته به گمان من ارباب جراید و دست‏اندرکاران‏ رسانه‏های همگانی می‏توانند با بازتاب مشکلات ما بخشی از گرفتاریهایمان را از پیش بردارند.ما به بانکها می‏گوییم شما درآمد دارید،بیایید مقداری از آن را بدهید به بنیاد یا نهادها و مؤسساتی چنین که با نام‏ خودتان کتاب چاپ کنیم نام بانک شما را هم در صفحهء نخست آن یا روی جلد می‏زنیم اما توجهی‏ نمی‏شود.سرمایه‏گذاری در زمینهء فرهنگی را نمی‏پذیرند و سود اقتصادی و سود فرهنگی را همانند هم می‏خواهند؛در حالی که هدف ما خدمت به‏ فرهنگ مردم است.

کیهان فرهنگی:سپاسگزاریم از اینکه زمانی چند از وقتتان را به ما دادید.

بیرشک:من هم ممنونم که به قصد معرفی فعالان و کوشندگان و دست‏اندرکارانی که در تهیهء دانشنامه‏ها و فرهنگ‏ها دست دارند تلاش می‏کنید.